

تدبیر در خدمت لیبرالیسم



امنیتی ترین روز دانشگاه

در باب کتاب و کتابخوانی

از شیرموز بدم میاد

مدیرمسئول:

محمدهادی کبیری‌راد

سردبیر:

محمدحسن دیزانی

صفحه‌آرا:

علیرضا علیزاده

اعضاء تحریریه:

علیرضا علیزاده

حمید خواجه‌پور

محمدهادی کبیری‌راد

سید علی میرزاده واقفی

امنیتی ترین روز دانشگاه

گزارشی از مراسم ۱۶ آذر ۹۸ دانشگاه تهران



پرداختن به حواشی همیشه جذابتر از متن بوده اما از آنجا که هدف، ارائه گزارش از خود برنامه است مجبورم گذر کنم. بسم الله

شعرخوانی آقایان **احمد بابایی** و پس از ایشان **سیدتقی سیدی** توانست شور لازم برای شروع یک مراسم ۱۶ آذر به یاد ماندنی را به حضار هدیه دهد. پیگیری آنچه خوانده شد را به خوانندگان عزیز وامی‌گذارم. لازم است اشاره کنم در اوایل شعرخوانی جناب آقای احمد بابایی، حجة الاسلام رئیسی وارد سالن شدند.

بعد از خوشامدگویی دکتر نیلی رئیس دانشگاه تهران و تشکر بابت آزاد شدن تمام دانشجویان بازداشت شده در اتفاقات اخیر، نوبت به سخنرانی نماینده‌ی تشکلهای دانشجویی رسید. در ادامه سعی می‌شود با آوردن چند جمله، خلاصه‌ای کافی و وافیاز این نطق‌ها بیان شود.

دیر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل:

«اکنون که شما را در محل شهادت دانشجویان می‌بینیم، از یاد نمی‌بریم ریاست رؤسای قبلی را که دیدارشان حتی با چشم مسلح هم ممکن نبود. شورای عالی هماهنگی سران قوا که با حکم رهبر انقلاب شکل گرفت، بدلیل شبهه در ماهیت این اعضا و آرا و مصوبات در اذهان عمومی به یک نهاد تبدیل شده و از شما به عنوان یکی از اعضای این شورا تقاضا می‌شود در این باره توضیحات شفاف ارائه دهید.»

دیر جامعه اسلامی دانشجویان:

«امروز کشورمان منابع مادی و معنوی برای جهش به سمت پیشرفت را



مراسم روز دانشجوی بسیج دانشجویی، امنیتی‌ترین روز دانشگاه را رقم زد!! گزاره‌ای که احتمالا باید با آوردن مثال حضور رئیس جمهور در روز ۲۴ مهر در تالار علامه امینی آن را توجیه یا نقض کنیم. حضوری به بهانه‌ی گرمیادداشت آغاز سال تحصیلی و با حضور کمرنگ دانشجویان!! این که می‌گوییم کمرنگ، به لحاظ حضور تعداد اندک این عزیزان است و الا همین تعداد اندک توانستند حداقل قول پاسخگویی به دانشجویان در روز ۱۶ آذر را بگیرند. قولی که از همان ابتدا هم امیدی به وفایش نداشتیم؛ حضور رئیس جمهور در دانشگاه فرهنگیان در روز ۱۸ آذر بدون حتی یک خط خروجی رسانه‌ای!!

از تنها نقطه اشتراک این دو برنامه که حضور یکی از سران قوا در دانشگاه است بگذریم، تفاوت‌های بنیادین در نحوه‌ی برگزاری مارا باز می‌دارد از اینکه حتی به مقایسه‌ی این دو فکر کنیم. جلسه‌ای فرمایشی با حضور مهمانان از پیش تعیین شده و تریبونی برای سخنرانی رئیس‌جمهور کجا و جلسه‌ای با حضور دانشجویان مختار به حضور و محلی برای پاسخگویی رئیس قوه قضائیه به دانشجویان و مردم کجا!!

ریشه‌ی بسیاری از این قضاوت‌های غیرمنصفانه به همین نکته بر می‌گردد که توجه نمی‌کنیم رئیس یک قوه آن هم قوه قضائیه قرار است بی فاصله در جمع دانشجویان حاضر شود. نگاهی به تصویر همین صفحه کافیه تا موضوع روشن‌تر شود. ای کاش مجال و امکانش بود تا بگویم در پس پرده‌ی این حضور چه گذشت تا همه بدانند چه میزان تفاوت است میان آنچه باید می‌بود و آنچه بود. تنها می‌توانم آرزو کنم سال آینده که رئیس‌جمهور به دانشگاه آمد و رود برای همه‌ی دانشجویان آزاد باشد تا تفاوت برخوردها برای همه آشکار شود.

نماینده صنف وانت بار و پیک موتوری و صحبت در برابر رئیس قوه قضائیه.

منصور رشنوار نماینده صنف وانت بار و پیک موتوری:

«من مستأجرم و در یکی از مشاغل سخت کار می‌کنم؛ پیک موتوری. از طرف اتحادیه به ما اعلام کردند که افزایش قیمت نداشته باشید. من قبل از گرانی روزی ۱۰۰ تومان کار می‌کردم و ۱۰ تومان بنزین می‌زد. اما امروز همان ۱۰۰ تومان کار می‌کنم و ۳۰ تومان بنزین می‌زنم. در رسانه‌ها اعلام می‌کنند که قیمت‌ها افزایش پیدا نکرده، اما من کاملاً افزایش قیمت را حس می‌کنم. الان ۸ روز است که دنبال خانه می‌گردم و پیدا نمی‌کنم. نمی‌خواهم گریه کنم؛ چون غرورم اجازه نمی‌دهد. من امروز از طرف اتحادیه‌ای حرف می‌زنم که همه از قشر مستضعف هستند. این تقسیم ناعادلانه‌ی سوخت واقعاً قابل فهم نیست! ۶۰ لیتر آخر! مگر بار ما را گاز می‌کشد؟

نظر من این است که حتماً رانتهی پشتش بوده.

ممنون از شما که آمدید، امید در دل ما زنده شد. از اتحادیه‌ی ما شروع کنید، ببینید چه ظلمی به ما شده و صدای ما را به مسئولین برسانید.»

سید امیر میرناصری، کارگر هیکو:

«صد شکر خدایی را که عدل و عدالت را از اصول دین قرار داد.

سالهاست که ما کارگران صنایع بزرگ صدای خود را از طریق شما دانشجویان به گوش مسئولین رسانده‌ایم.

هر کسی که می‌گوید اصل ۴۴ مشکل دارد با رهبری مشکل ندارد، این اجرای اصل ۴۴ است که مشکل دارد. مدتهاست که نفوذیان صنعت، راه خود را با این اصل یکی کرده‌اند؛ و ما کارگران، سربازان خط مقدم مبارزه با این مفساد اقتصادی هستیم. به واسطه‌ی اعتراض، دشمن این انقلاب خوانده شدیم، انقلابی که خودمان با جان و خون خود برایش جنگیدیم. دور از ذهن نیست بگوییم مورد نفوذ لیبرال‌های غربگرا هستیم. اکنون بسیاری از شرکت‌ها فقط ابزار شوهای انتخاباتی شده‌اند و تمام کارهایی که برای این شرکت‌ها شده است در این یک کلمه می‌گنجد «هیچ!»

حدود ۱۰۰ نفر از کارگران استان مرکزی

محکوم به احکام سنگین امنیتی شده‌اند

که امید داریم شما به آنها رسیدگی کنید. از شما تقاضا داریم

با ورود به مسئله این شرکت‌ها از مکیده شدن خون کارگران و

نابودی صنعت جلوگیری کنید.»

پس از همه‌ی این صحبت‌ها نوبت به رئیس قوه رسید تا در محل پاسخگویی حاضر شود. مدل مطلوب اینگونه بود که پس از نطق هر نماینده، رئیس محترم قوه پاسخگو باشند تا احیاناً مطلبی از قلم نیفتد و حتی رفت و برگشتی شکل بگیرد که گویا امکان‌پذیر نبوده‌است.

حجت الاسلام و المسلمین رئیسی:

«جریان دانشجویی کشور باید جریان آگاه، بابصیرت، زمان‌شناس و دغدغه‌مند نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه باشد.

نکاتی که فرمودید، برخی توصیه بود به بنده به‌عنوان یک مسئول که لزومی ندارد اینجا تکرار کنم. برخی سوال بود که درباره آن‌ها توضیحاتی را عرض می‌کنم.

در همه دستگاه‌ها مسئولیت اجرای عدالت وجود دارد، ولی از آنجا که به‌عنوان

داراست. نکته‌ی اصلی این است که کشورمان بیش‌تر از نیاز به تأیید کشورهای خارجی، نیاز به ایمان به جوانان و توانایی‌های داخل دارد. ما دولت کارکن می‌خواهیم، دولتِ با مردم نه دولتِ بر مردم! مردم به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر از تکرارهای بی‌خاصیت آنها آبی گرم نمی‌شود. حضور شما به عنوان سکاندار یکی از قوا و اصلاحات انجام شده نشان داد اصلاح و تغییر، شدنی است و مشکل از کارگزاران است نه ساختار. البته که قوه‌ی قضائیه تا رسیدن به معنای کامل از عدالت، فاصله‌ی بسیار دارد.»

دبیر جنبش عدالتخواه (آرمان):

«آقای رئیسی چرا در شرایطی که مجلس رئیس جمهور را استیضاح می‌کند، دیوان عالی هیچ اقدامی نمی‌کند؟ دیگر رئیس بی‌جمهور چه کاری باید بکند که خلاف نص صریح قانون شود؟ به طور جدی پیشنهاد می‌شود با ورود به بحث خلق پول بانکی و نه صرفاً اختلاس‌ها، جلوی آنهایی که از ملت دزدی می‌کنند را بگیرید. آقای رئیسی، اکثر کارهای مفید، منحصر به حضور فرد شماسست و اگر این روحیه در بدنه‌ی قوه تثبیت نشود منجر به رکود می‌شود. این سنت بسیار غلطی است که ما در زمان مسئولیت به تخلفات مسئولین نمی‌پردازیم.»

مسئول بسیج دانشجویی

«خبرگزاری میزان در حقیقت خبرگزاری قوه قضائیه نیست، بلکه به روابط عمومی آن تبدیل شده است. از اولین اقدامات لازم برای مقابله با مفساد در قوه، انتشار لیست قضات فاسد و برخورد جدی با آنهاست.

این حکمرانی قضایی است که باید بهبود پیدا کند.

مسئله‌ی اصلی «شفافیت آرای قضات»

است. قوه‌ی قضائیه باید با توجه به

حقوق عامه، برخورد با مسئولینی که

سفره‌ی مردم را با بی‌تدبیری خود

کوچک‌تر کردند در دستور کار قرار دهد.

قوه‌ی قضائیه باید بین منتقدان

و مخالفان سیاسی نظام و مجرمان

امنیتی تفاوت بگذارد. مردم چگونه

تظلم‌خواهی کنند که محکوم امنیتی نشوند؟

امروز اعتراض دانشجویو، کارگر، معلم و اقشار ضعیف

جامعه با برخورد شدید امنیتی مواجه می‌شود.

یکی از مشکلات، فقدان امکان اعتراض به تصمیمات حکومتی است. باید

امکان اعتراض نه فقط در قالب تجمع و تحصن بلکه از طریق پیگیری

حقوقی وجود داشته باشد. باید به شکایات مردمی رسمیت بخشیده شده و

پیگیری شوند و اعتراضات مردم با برچسب‌های امنیتی نادیده گرفته نشود.»

نماینده انجمن اسلامی دانشجویان

علی رغم دعوت رسمی بسیج دانشجویی و تلاش‌های معاونت فرهنگی دانشگاه فردی از انجمن اسلامی حاضر به ایراد سخنرانی در این مراسم نشد.

در سالن زیاد شنیده می‌شد که دانشجویان فریاد می‌زدند « دانشجوی مسلمان صدای مستضعفان » حتی پوستر برنامه هم با همین تیتراژ طراحی شده بود؛ اما غیب گاهی این صدای مستضعفان بودن به تنهایی کافی نیست. گاهی باید صدای خود مستضعف را به گوش مسئول رساند. همین نکته، نقطه عطفی برای برنامه رقم زد؛ حضور کارگری از هیکو و

پشتیبانی نظام و قوه از عدالت یاد کردید لازم است برنامه‌هایی را در اجرای عدالت عرض کنم.

من اینجا به انواع عدالت نمی‌پردازم، از عدالت اجرایی حرف می‌زنم: هرکس و هرچیزی در جای خودش قرار بگیرد؛ و این اولین قدم قانون عادلانه است. اجرای عدالت را باید برابر با اجرای قانون بگیریم، گفتمان محوری دانشگاه هم باید اجرای قانون باشد. نکته مهم شفافیت است که اگر انجام بشود زمینه اجرای عدالت فراهم می‌شود.

نکته بعد مبارزه با فساد است، تفاوت وجود دارد بین تخلف و جرم، برخی می‌گویند دستگاه قضا کارش بگیر و ببند است! بله ما هر جا مفسد ببینیم می‌گیریم و کارمان هم همین است.

ما خصوصی‌سازی را پیگیری می‌کنیم و در حال بررسی است. اولاً عرض می‌کنم ما دیگر نخواهیم گذاشت در کشور این‌گونه خصوصی‌سازی‌هایی انجام بشود. فریادهایی هم زدند که از این فریادها نمی‌ترسیم. بحث اعطای تسهیلات از آن قسمت‌هایی است که از لحاظ ساختاری باید اصلاح بشود.

با فرار مالیاتی باید برخورد بشود و افرادی که درآمد بالایی دارند باید مالیات آن را پرداخت کنند.

ما در قوه قضاییه هیچ پرونده‌ای را زیر میز نخواهیم گذاشت، همه پرونده‌ها روی میز خواهد بود.

ما بنا داریم همه پرونده‌هایی که دغدغه مردم شده را پیگیری کنیم و نتایج پیگیری را با مردم در میان بگذاریم. خط قرمز ما «با استناد و دلیل سخن گفتن» است، نه تهمت بی‌لایه و استناد.

نکته بعدی این که دفاع از «آزادی‌های مشروع» در برنامه ما هست. کرسی آزاداندیشی در دانشگاه باید تقویت شود. دانشجویان با آزادی نظراتشان را بگویند. البته در این مورد توهین به هیچ کس و انتقاد به همه باید مورد توجه واقع بشود.

ما فرق می‌گذاریم بین اعتراض‌کننده و اغتشاشگر؛ و فرق می‌گذاریم بین جرم سیاسی و جرم امنیتی؛ در قانون هم همین طور است.

ما دانشجوی سیاسی را دانشجویی می‌دانیم که نیاز جامعه را بشناسد و مطابق با آن‌ها فریاد بزند و مطالبه کند.

اجرای عدالت امروز از دغدغه‌های مردم است و ما می‌خواهیم عدالت چتری بر سر همه‌ی مردم باشد.

شورای هماهنگی اتمام حجتی است به تمام مدیران دولتی برای کمک به دولت تا هیچ کدام نگویند نمی‌گذارند کار کنیم و توانایی نداریم در واقع نوعی هماهنگی است تا بتواند برای کارهای دولت کمک کند. این طرح، برای دولت بود که برای هماهنگی به شورا آورده شد. این طرح فقط یک قسمتش نیاز به مصوبه داشت که آن هم هزینه‌کرد درآمدش بود که دولت گفت باتوجه به وضعیت بد اقتصادی همه درآمد به مردم اختصاص پیدا کند.

ما تجربه داریم هر جا از مردم کمک گرفته شد، مردم بهترین پشتیبانی اجرای طرح‌ها بوده‌اند.

در مورد فساد درون قوه ما امروز اینجا ادعای خلاف نداشتیم. برخورد با فساد را در درون قوه شروع کردیم. برخورد با قضات فاسد یا متخلف یک برخورد انتظامی است که در همان ابتدا بعد از گزارش‌ها و اثبات، عزل می‌شوند، اما برای افشای لیست نام آن‌ها مثل بقیه مجرمین است.

در پایان مراسم دانشجویی که در آستانه‌ی شروع صحبت‌های رئیس قوه تقاضای تریبون کرده بود، به درخواست حجة الاسلام رئیسی به بالای سن آمد و سخنان خود را این‌گونه آغاز کرد: «آقای رئیسی! می‌شه نظام عوض شه ولی تو همون فرم‌های قبلی، عکس شاه بود جابجا می‌کنن عکس امام می‌ذارن...». از گفتن ادامه‌ی صحبت‌های این دانشجو و پاسخ‌های حجة الاسلام رئیسی به واسطه‌ی طولانی شدن گزارش خودداری کرده و مطالعه‌ی آن را مجدداً به خوانندگان بزرگوار واگذار می‌کنم. فیلم‌ها و خروجی‌های این برنامه به صورت کامل در کانال تلگرامی بسیج دانشگاه تهران به نشانی @basijut_ir قرار گرفته است.

محمدهادی کبیری‌راد | مهندسی عمران ۹۵



بیشتر بخوانیم یا بیشتر بشنویم؟!

در باب کتاب و کتابخوانی

اما این تنهایی یک تنهایی حقیقی است، برخلاف رویه‌ی رسانه‌های امروز که تنهایی حقیقی را از بشر ربوده‌اند و تنهایی کاذب را به او می‌دهند. تنهایی حقیقی افزون بر آگاهی بخشی‌اش آن است که بشر را از حواشی اطراف، غوغای زمانه و شلوغی‌های پوچ دور کند و او را اندکی با خودش به خلوت برد و به خود آورد. آن جاست که بشر تازه می‌تواند قدری در خدا، خود و جهان پیرامون خود بیندیشد. کتاب این تنهایی را به او می‌دهد چرا که کتاب چه قصه‌ی جن و پری باشد چه حکمت و فلسفه، عصاره‌ی زندگی دیگران است و باید آن عصاره را چشید تا به حقیقت آن دست یافت. در مقام و منزلت کتاب همین بس که حتی خدای جهانیان هم وقتی می‌خواهد با بشر سخن بگوید کتابی برای او می‌آورد. چراکه تنها کتاب است که ظرفیت علم نامحدود را دارد و بشر هم ظرفیت فهم آن را. اما این وقتی محقق می‌شود که بشر شروع به خواندن کند. اما اگر کمی سطح دید خود را برتری ببخشیم تنها کتاب کاغذی نیست که بشر توانایی خواندن آن را دارد بلکه زندگی بشر هم خود کتابی باز است که هرکس به قدر معرفت خود آن را می‌خواند و از آن می‌فهمد. اما کسی که کتاب کاغذی را باز نکرده، بسیار بعید است که بتواند کتاب زندگی بشر را هم بخواند. در نهایت چیزی که می‌توان به زبان آورد آن است که "همه تنهایند، اما تنهایی آگاهی بخش و حقیقی از آن کتاب خوانان و تنهایی غم بار و دروغین از آن دیگران"

سیدعلی میرزاده‌واقفی | مهندسی عمران ۹۸

اگرچه در گفتمان مرسوم، تحقیق و تفحص در حوزه کتابخوانی رجوع به شاخص‌های مطالعه کتاب و بطور کلی آثار مکتوب، با هدف افزایش سواد مطالعاتی مدنظر است لیکن به نظرم با نگاهی کلان در حوزه تعالی فرهنگ در جامعه می‌توان شاخص مطالعه کتاب و آثار مکتوب را به عنوان معیاری جهت سنجش آرامش روحی و روانی، ارزش علم و دانایی در آن جامعه، بررسی امکان جهش‌های بزرگ در عرصه‌های علمی و اجتماعی، میزان بصیرت سیاسی فرهنگی و بالاخره پیش‌بینی آن جامعه در جهان فردا و بسیاری از موضوعاتی که قابلیت تحقیق دارند را در نظر گرفت. لذا آینده جامعه را می‌توان از روزنه میزان و کیفیت مطالعه مکتوبات درسطح وسیعی به تماشا نشست. تا به حال شهری را در نظر گرفته اید که همه‌ی مردم آن الماس‌هایی را در نزد خود داشته باشند اما به آن بی‌توجهی کنند؟! الماس‌هایی که با فروش آن‌ها می‌توانند حتی زندگی نسل‌های آینده خود را نیز تامین کنند.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که سعی دارند حتی ارزش این الماس‌ها را از ذهن ما فراری دهند.

کتاب الماس ارزشمندی است که باگذشت زمان از ذهن ما فاصله گرفته و ارزش آن را از یاد برده‌ایم.

کتاب‌ها به انسان ارزش می‌دهند و آیا در جامعه‌ای که انسان‌ها در آن چیزی جز الماس‌های خود ندارند و خود نیز الماس‌هایشان را بی‌ارزش می‌پندارند حیاتی برای آن‌ها باقی می‌ماند؟ حیات معنوی که هیچ حتی حیات مادی خود را نیز از دست خواهند داد و جایگاهی در جامعه نخواهند داشت.

کتاب مانند دوستی است که تو را راهنمایی می‌کند و اگر کسی شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی را جایگزین کتاب کند به این عنوان که بتواند پاسخی اجمالی و سطحی نسبت به سوالات آنی خود بیابد و خود را به چالش کوچک و بزرگی نبرد، این فضا به او در قالب دوستی، دشمنی می‌کند.

مزیت کتاب برآن است که حیب خود را قبل و بعد از مشورت و راهنمایی، به چالش می‌کشد و او را به تفکر و تعقل وامی‌دارد. تجربه در بعضی اوقات می‌تواند زیانبار باشد، کتاب‌های نه فقط تاریخی بلکه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... نیز انسان را از تجربه اعمال زیانبار باز می‌دارد.

"تنها، کسی است که کتاب نمی‌خواند!" این سخن مشهوری است اما در ظاهر که اینگونه نیست چرا که خواننده‌ی کتاب تنها می‌شود و از جمع کناره‌روی می‌کند.



تدبیر در خدمت لیبرالیسم

جستاری بر عملکرد دولت در قبال بودجه سال ۹۸

متفاوت است و همه با یک سناریوی تکراری اجرا می‌شوند. در آخر هم که همه ناراحت و متاسف‌اند از اتفاقات رخ داده (حتی رئیس‌جمهور ژاپن) و فقط لبخند رضایت بر لبان دو چهره نقش بسته است. اولی هزاران کیلومتر دور تر از مرز کشور در رسانه بیگانه، و دومی رئیس قوه مجریه در رسانه ملی. خنده‌هایی در پاسخ به چنین سوال‌هایی از جانب مردم: چرا ما نامحرمیم؟ چرا ما وحشی‌هایی فرض شدیم که اگر قبل از اجرایی کردن تدبیرشان با ما مشورت می‌شد بجای هم اندیشی به سراغ پمپ بنزین‌ها می‌رویم؟ اصلاً شما کدام مردم را نامحرم دانستید؟ همان‌هایی که سالها پاره تنشان را به جنگ فرستادند تا شما بر کرسی مدیریت بیسکویت با چای میل کنید؟ آخر اگر اجرای مفتضحانه تدبیرشان را هم چشم پوشی کنیم، خود تدبیرشان هم جای امیدی ندارد. طرحی انبوه از بی عدالتی و نادیده گرفتن دهک‌های پایین جامعه که معیشت و حیات را برای آنان سخت‌تر کرده. ای کاش از کاخ‌های شیشه دودی‌شان کمی فاصله بگیرند و در کوخ‌های مردم طعم تدبیرشان را بچشند.

علیرضا عزیزاده | مهندسی شیمی ۹۷

به معنای افزایش نرخ‌های مالیاتی نیست بلکه منظور اهتمام کامل به وصول حجم انبوهی از مالیات‌های حقه است که همت بلند مجلس و قوه قضایه را می‌طلبد. معافیت‌های مالیاتی در حوزه‌های بسیاری لحاظ شده است که باید به بررسی آن پرداخت. به عنوان مثال معافیت مناطق آزاد کشور که این مکان‌ها را به محلی برای فرارهای مالیاتی تبدیل کرده است و افرادی با سو استفاده از این مسئله در چتر مالیاتی قرار نمی‌گیرند. و یا معافیت سود سپرده که مشوق به سوق سرمایه‌های جاری به سمت سپرده‌های راکت شده است. همه این‌ها به خودی خود نشان دهنده مشکلات عظیم مالیاتی و سوزاندن فرصت‌های افزایش بودجه است که با بی‌تدبیری نادیده گرفته می‌شود تا ما همچنان برای اداره کشور محتاج میزان خرید نفت توسط سایر ملل باشیم. حال هم که به لطف زبان جهانی که دولت‌مردان از آن استفاده کردند نفت‌مان را هم نمی‌خرند و با یک شبه سه برابر کردن بنزین و توزیع ناعادلانه سهمیه‌ها جو آشوب و دشمن شادی را راه انداختند. ظاهراً هیچ نسلی توفیق تماشای چنین ناملایماتی را در کف خیابان‌ها از دست نخواهد داد. آشوب‌هایی که فقط دلیل وقوعشان

چند روزی شهر آشوب بود، انسان‌های بی‌گناه کشته می‌شدند، بانک‌ها به آتش کشیده شدند، میلیاردها خسارت به بیت‌المال رسید. زنان و کودکان از ترس بیرون نمی‌آمدند... نه داعش حمله کرده و نه انقلاب شده است. بنزین گران شده و حالا مردم آن را بر خاکستر خشم خود ریخته‌اند. تدبیری از جانب دولت تدبیر و امید، پیرو برون رفت کشور از مشکل کمبود بودجه «ضمناً با مشورت سایر سران قوا!!!!!!» این که دولت کمبود بودجه دارد و دخل و خرجش با هم نمی‌خوانند، سیره‌ایست که دست به دست بین دولت‌ها می‌چرخد و کلید حل مشکل هم متأسفانه گم شده است. در طول تاریخ و حتی در کشورهای مدرن یک رکن اصلی بودجه در دولت‌ها همیشه مالیات بوده است. کماکان که از نعمت ذخایر زیرزمینی یا طبیعت خدادادی برخوردار بوده باشند، درآمد حاصل از آن را برای سوپاپ اطمینان بودجه خود یا سرمایه‌گذاری در خارج از مرزها استفاده می‌کنند. ولی متأسفانه در کشور ما ساختار صحیح بودجه شکل نگرفته و هنوز از همان استراتژی وابستگی به نفت و خرید آن توسط دیگر کشورها برای تامین بخش انبوهی از بودجه کشور استفاده می‌کنیم. حال اگر بخواهیم این وابستگی را کاهش دهیم مسلماً باید جایگزینی برای آن داشته باشیم.

مالیات به عنوان ابزار توزیع عادلانه‌ی درآمد و رشد اقتصادی متوازن و عامل تثبیت‌کننده‌ی اقتصاد است. راهی بجز افزایش مالیات برای تامین بودجه کافی نمی‌توان جست، آن هم در کشوری که سرشار است از بسترهای از پیش آماده‌ی فرارهای مالیاتی و معافیت‌های بی حد و حصر (فرار قانونی) از پرداخت مالیات. با استناد به آمار و ارقام ایران بیشترین تنوع و عمق معافیت‌های مالیاتی را دارد. پس باید این نکته را در نظر بگیریم که در شرایط فعلی افزایش درآمدهای مالیاتی



منم گفتم باشه. (اون لحظه هر چی میگفت احتمالا قبول میکردم و به نظرم خدا بهم رحم کرد.)

رفتیم در مغازه، دوتا شیرموز خرید و همون جلوی مغازه گفت بشینیم روی همین چمن.

- تا حالا فکر کردی به این که چجوری میتونی به کشور خدمت کنی؟ تا حالا فکر کردی آیا جایی که الان داری فعالیت میکنی از ظرفیت هات استفاده میشه یا نه؟ تا حالا فکر کردی درس خوندنت کجا باید به درد بخوره؟ تا حالا فکر کردی در آینده میخوای کار مرتبط با درست انجام بدی یا نه؟

+ چرا ولی نه زیاد، به نتیجه ای هم نرسیدم.

- اشتباه کردی دیگه، خب الان سریع تا شیرموز رو میخوریم فکر کن.

+ یه چیزی میگی ها، نمیشه که الان اینجوری به این سرعت.

- همه اولش همینو میگن ببین اصلا نمیخواد فکر کنی من همه رو بهت میگم.

+ یعنی چی؟ یعنی به جای من فکر کردی و نتیجه هم گرفتی؟

- آره دیگه، مشکلی داره مگه؟

+ نه نه هیچ مشکلی نداره فقط سوال برام به وجود اومد و یه مقدار هم تعجب کردم.

در حالی که لبخند ملیح و کوچکش کم کم داشت به لبخند تام تو کارتون تام و جری تبدیل میشد، ادامه داد.

- ببین شما باید اونجایی فعالیت کنی و وقت بذاری که فایده داشته باشه و به درد بخوری و از ظرفیت هات استفاده کنی.

+ خب اینکه واضحه.

- خب ببینم که شیرموزت هم تموم شده، تبریک عرض میکنم.

+ چیه دقیقا؟

- همون چیزی که باعث میشه شما کارایی هات بیشتر بشه، همون چیزی که همه سفارش کردن و تو تنها گزینه ای هستی که در این مسئولیت شکوفا خواهی شد.

خیلی دیر ولی بالاخره دوزاریم افتاد که قراره چه اتفاقی بیفته. (انصافا این جملاتش خیلی واضح بود چه هدف شومی داره ولی من دیر فهمیدم.)

+ حالا چی هست؟

- مسئولیت کل عمران کل اردوی کل جهادی کل دانشگاه کل تهران کل.

+ هرهره، این مسخره بازی چیه در میاری؟ مثل آدم بگو دیگه. حالا چی هست؟

- هیچی، فقط یدونه شناسایی باید بریم، شاید اگه خیلی از برنامه عقب بیفتیم مجبور بشیم دو بار بریم. خود مدت زمان اردو هم هست. من هم هستم با هم کارها رو پیش میبریم.

+ ببین من تو یه اردو جهادی دیگه مسئولیت دارم تو تابستون هم کلی کار دارم اونارو چیکار کنم؟

- کاراتو که انجام میدی و فقط دو هفته که اردو میریم میمونه که برای اون هم یکی رو پیدا کن کاراتو انجام بده. شماره مسئول اون اردو جهادی هم بده من باهاش صحبت کنم.

+ خیلی خب اگه اینجوریه که وقتی ازم نمیگیره و مسئول اون یکی اردو رو هم میتونی راضی کنی، من هستم.

- خدا خیرت بده من دو هفته است کل اردو رو متوقف کردم تا شما رو به عنوان مسئول معرفی کنم.

+ خیره ایشالا من برم به هیئت برسم.

هر جوری بود نهایتا ما شدیم مسئول عمران اردو جهادی. تقریبا مطمئن بودم امتحان های خرداد که تموم بشه، تازه قراره سختی ها و سرشلوگی های تابستون شروع بشه، چه تابستونی هم بود.

اگر خدا بخواد و توفیق نصیبتون بشه ادامه ماجراهای حمید و بزرگوار رو بعدا خواهید خوند.



از شیرموز بدم میاد!

مجموعه خاطرات جهادی (افسانه های خرتوت)

یادش به خیر آخرین باری که شیرموز نوش جان کردم مربوط می شه به حدودا شش ماه پیش!

البته بارها گفتم و اینجا هم می نویسم برای ثبت در تاریخ، ای کاش اون روز تریلی از روم رد میشد و هیچ وقت به مقصد نمی رسیدم.

یا مثلا ای کاش اون روز در درگیری با سلاح سرد کشته میشدم و نمی رفتم! موبایلی که زنگ میخورد و دستی که روی صفحه اش کشیده میشود و تماسی که پاسخ داده می شود.

(طبیعتا جملاتی که جلوی + نوشته شده من هستم و جملاتی که جلوی - نوشته شده طرف دیگر ماجرا.)

+ الو، سلام برادر!

- سلام بر بهترین رفیق زندگی من

+ (یا حضرت عباس، چرا اینجوری حرف میزنه.) خیلی مخلصیم، بفرمایید.

- آقا امشب کجایی؟

+ میخواستم برم میدون شهدا هیئت، چطور؟

- پس قبلش یه سر بیا میدون امام حسین یه شیرموز بخوریم!

+ باشه ایشالا میام؛ فقط اینکه خبریه؟

- حالا بیا بهت میگم؛ یا علی.

+ علی علی.

تا همینجا هم به نظرم کافیه و خودتون متوجه عمق ماجرا شدید. ولی مینویسم که بمونه، مینویسم برای جلوگیری از تحریف.

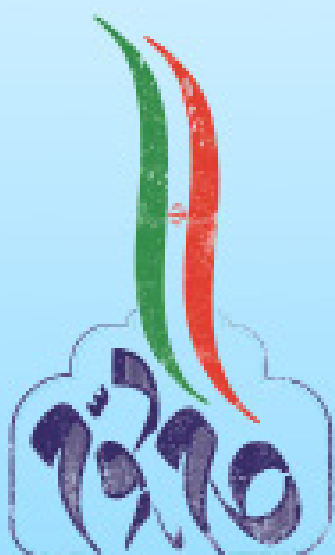
ما رفتیم، رفقا رو جلوی هیات پیاده کردیم و حرکت به سمت میدان امام حسین (علیه السلام).

لحظه ای که بزرگوار رو دیدم، لبخند عجیبی روی صورتش بود، چشماش یه برق خاصی داشت و صورتش خیلی نورانی بود (اول پیش خودم گفتم حتما انسان وارسته ای بوده که صورتش انقدر نورانی هست بعد ها یادم افتاد که زیر پرژکتور های داخل میدون بودیم و صورتش به اون خاطر نورانی بوده.)

دستاش تو جیب بود و خیلی آروم و با آرامش حرف میزد گفت اول بریم شیرموز!

جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا همانند و چگونه همانند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.



بیانیه #گام - دوم - انقلاب خطاب به ملت ایران
به ویژه جوانان

